

مآثورات عربی در متون منثور فارسی

(بررسی تطبیقی شیوه‌های اثرگذاری مآثورات عربی در متون منثور فارسی با تکیه بر ده اثر از سده ۴ تا ۶ ه.ق)

عیسی متقی‌زاده^{۱*}، ابراهیم خدایار^۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

پنیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۷

چکیده

زبان قرآن و به تبع آن زبان عربی، زبان نخست دنیای اسلام است. پس از ورود دین مبین اسلام به ایران و پذیرش این دین نجات‌بخش از سوی مردم، تأثیر همه‌جانبه آن بر تمام شئون فرهنگی و اجتماعی ایرانیان آغاز شد. بخش دیگری از اثرپذیری زبان و فرهنگ ایرانیان در مواجهه با میراث منظوم و منثور به زبان عربی است که یا اغلب به وسیله ایرانیان نگاشته شده است یا ایرانیان در آثار خود از میراث عرب‌های مسلمان سود جستند. تأثیر این زبان در زبان فارسی در لایه واژگانی با دامنه گسترده و بعضاً نحوی با دامنه محدود باقی نماند، بلکه در لایه‌های دیگر زندگی معنوی ایرانیان نیز نمودار گشت و علاوه بر پاسخ به نیازهای ایرانیان در حوزه‌های یادشده، به تقویت همه‌جانبه زبان فارسی نیز منجر شد. نویسندگان فارسی‌زبان با آگاهی از این موضوع، سال تا سال و با شیوه‌های گوناگون به دامنه تأثیرپذیری‌های خود افزودند و از این راه موجبات پیوند هرچه بیشتر زبان و ادب فارسی را با زبان قرآن و فرهنگ اسلام فراهم کردند. بدون تردید فهم بخش عظیمی از میراث به‌جا مانده از این تأثیر و تأثر، که در زبان و ادبیات غنی فارسی به یادگار مانده، موقوف به دانستن ریشه‌های اصلی آن است که در قرآن کریم، احادیث نبوی (ص) و گفتار ائمه معصوم (ع) پراکنده است.

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱-۲۵

E-mail: motaghizadeh@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

نگارندگان در این مقاله، بخشی از شیوه‌های اثرپذیری فارسی‌زبانان از مأثورات عربی را بر اساس یافته‌های مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی در نوشته‌های منشور آشکار، بسامد مأثورات هفتگانه شامل آیات، احادیث، اشعار، امثال، جمله‌های دعایی، عبارات‌ها و اقوال را در ده متن منشور فارسی از سده چهارم تا ششم هجری ارزیابی کردند. روش کار بدین قرار بود که نخست پژوهشگران طرح، مأثورات عربی را با لحاظ دسته‌بندی‌های هفتگانه، استخراج و در فرم‌های ویژه طراحی‌شده ثبت کردند. این مأثورات پس از اعراب‌گذاری و ترجمه به برنامه اندنوت (EndNote) منتقل و در مرحله پایانی، خروجی‌های مورد نظر در نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس (Spss) تجزیه و تحلیل شد. بر اساس نتایج تحقیق، بیشترین بسامد در کتاب‌ها به ترتیب متعلق به جملات دعایی و نیز عبارات‌ها و اصطلاحات، آیات و احادیث بوده است. مأثورات هفتگانه در تمام کتاب‌های منتخب به جز *الابنیه عن حقایق الادویه*، که فقط سه آیه در آن وجود دارد، به وضوح مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، تاثیر و تاثر، مأثورات عربی، متون منشور فارسی، آیات، احادیث، اشعار، امثال، جمله‌های دعایی، عبارات‌ها و اقوال

۱. مقدمه

زبان قرآن و عربی بخشی از هویت ملی و دینی ایرانیان است که در شناساندن فرهنگ ایران به جهان، در مقام قومی دانش‌دوست، دانش‌پرور و دانشمند نقش بسزایی داشته، در مقابل ایرانیان هم در جهانی‌کردن این زبان که زبان اسلام و قرآن است، کوشش‌های فراوانی به خرج داده‌اند. در درازای بیش از چهارده سده حضور اسلام در ایران و نزدیک به دوازده سده تعامل نزدیک زبان فارسی با عربی، بخش عظیمی از ادبیات فارسی از فرهنگ و اندیشه اسلامی و زبان و ادبیات آن متأثر شده است، به گونه‌ای که درک متون فارسی، به ویژه تا دوره معاصر، بدون مراجعه به امهات کتاب‌های نوشته شده به زبان عربی و حل مشکلات آن ناقص و در برخی موارد ناممکن خواهد بود. نویسندگان مقاله براساس یافته‌های مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و لحاظ تأثیر آیات قرآن و مأثورات پیامبر مکرم اسلام (ص) و زبان و

ادبیات عربی در زبان و ادبیات فارسی با انتخاب ده متن مهم منثور فارسی تألیف شده از سده چهارم تا ششم هجری، تأثیر مآثرات عربی در فارسی را ذیل هفت بخش شامل «آیات، احادیث، اشعار، امثال و حکم، جمله‌های دعایی، عبارتها، تعابیر و اصطلاحات و اقوال» در ده کتاب *الأبنيه عن حقائق الأدویه* تألیف موفق‌بن علی هروی (سده چهارم)، ترجمه *تفسیر طبری* تألیف گروهی از عالمان ماوراءالنهر (سده چهارم)، *تاریخ بیهقی* تألیف ابوالفضل بیهقی (سده پنجم)، *التفهیم اثر ابوریحان بیرونی* (سده پنجم)، *سیاست‌نامه* از خواجه نظام‌الملک طوسی (سده پنجم)، *کشف المحجوب* از علی‌بن عثمان هجویری (سده پنجم)، *کیمیای سعادت* از امام محمد غزالی (سده پنجم)، *اسرارالتوحید* تألیف محمدبن منور (سده ششم)، *چهار مقاله* اثر نظامی عروضی سمرقندی (سده ششم) و *کلیله و دمنه* از نصرالله منشی (سده ششم) جمعاً شامل بیست مجلد، تدوین و دسته‌بندی کرده، پس از تبیین شیوه‌های اثرگذاری این تأثیرات در بافت متون منتخب، بسامد مآثرات هفتگانه را در جدول مخصوص با ارائه آمارهای دقیق با یکدیگر بررسی کرده‌اند.

۱. بیان مسئله و سؤال‌های پژوهش

زبان عربی زبان نخست جهان اسلام است. متون فارسی به شکل قابل توجهی از این زبان و فرهنگ آن در دو بخش آیات و احادیث و نیز سایر اشکال آن متأثر شده است. آشنایی با نوع تأثیر، فراوانی آن و چگونگی کاربرد آن (گزاره‌ای/ گزارشی؛ حقیقی/ مجازی؛ مستقیم/ غیر مستقیم؛ ترجمه/ تأویل)، طی دوره‌های تاریخی مشخص برای درک متون منثور فارسی و حل مشکلات آن ضروری است. مسئله این پژوهش بررسی شیوه تأثیر و بسامد کاربرد مآثرات هفتگانه (آیات؛ احادیث؛ اشعار؛ امثال و حکم؛ جملات دعایی؛ عبارتها، تعابیر و اصطلاحات؛ اقوال) در امهات متون منثور فارسی تألیف شده از سده چهارم تا ششم هجری است. میزان اقبال و استفاده

توجه و شایسته یادکرد است؛ هرچند دو کتاب به متون عرفانی و دیگری به شعر بسنده کرده است؛ اما هیچکدام از آثار یاد شده به شیوه کاربرد و بسامد موارد هفتگانه این پژوهش نپرداخته‌اند. گفتنی است غالب مصححان شاخص ادبیات فارسی در تعلیقات خود بر آثار تصحیح شده معمولاً فهرستی از موضوع مورد نظر در عنوان این پژوهش را در اثر خود آورده‌اند، با این حال به دلیل عدم جامعیت (مشخص نبودن شیوه اثرگذاری - گزاره‌ای / گزارشی؛ حقیقی / مجازی؛ مستقیم / غیر مستقیم؛ ترجمه/تأویل - اعراب‌گذاری بعضاً ناقص، ترجمه نارسا، مشخص نشدن منابع اصلی استفاده شده مآثرات، مشخص نکردن بسامد استفاده از این مآثرات) اثرگذاری آن‌ها را کاهش داده است. از آنجا که در متن اصلی این پژوهش علاوه بر رفع موارد مربوط به نواقص، سه موضوع شیوه اثرگذاری، بسامد و پیوند نحوی مآثرات عربی در بافت متون فارسی نیز لحاظ شده، تأثیربخشی آن را به گونه غیر قابل انکار افزایش داده است. نوآوری این پژوهش علاوه بر مشخص کردن شیوه اثرگذاری و نگاه آماری به حضور موارد هفتگانه مآثرات در متون منثور منتخب، مشخص کردن پیوند نحوی مآثر با متن است.

۳. چهارچوب نظری و شیوه سامان طرح

بررسی سیر تاریخی تأثیر زبان‌ها بر یکدیگر در جوامعی که پیوسته در کنار هم زیسته و به لحاظ تاریخی با یکدیگر تماس داشته‌اند، موضوعی است که همواره در کانون توجه زبان‌شناسی اجتماعی و تاریخی بوده است. در این نوع پژوهش‌ها درباره کاربرد آگاهانه الگوهای زبان‌ها در یکدیگر در قالب وام‌گیری (Barrowing) و کاربرد ناآگاهانه آن‌ها ذیل تداخل زبانی (linguistics interference) بحث می‌شود (مدرسی، ۱۳۶۸: ۳۰-۳۱، ۴۲). آنچه در این پژوهش و درباره تأثیر زبان و ادبیات عربی در فارسی در قالب استفاده از یافته‌های دانش مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی



بدان پرداخته خواهد شد، بیشتر درحوزه تعاملات ادبی زبان عربی با فارسی است تا تأثیرات زبانی؛ بنابراین رویکرد برگزیده این پژوهش در حوزه ادبیات تطبیقی می‌گنجد. پس از انتخاب ده کتاب یادشده، مأثورات هفتگانه شامل آیات؛ احادیث (نبوی و امامان معصوم)؛ اشعار؛ امثال و حکم؛ جمله‌هایی دعایی؛ عبارت‌ها، تعابیر و اصطلاحات؛ و اقوال (گفته‌های عارفان و حکیمان) براساس شیوه‌نامه مخصوص استخراج و به شکل زیر سامان یافت:

۴-۱. اثرپذیری گزاره‌ای

در این نوع اثرپذیری عبارت یا جمله مأثور به صورت کامل یا ناقص در متن فارسی استفاده و در ذیل چهار بخش بررسی شد:

۴-۱-۱. اقتباس

اقتباس از ریشه «قبس» در زبان عربی به معنی «پاره‌ای از آتش گرفتن و پرتو یافتن» (عباسپور، ۱۳۸۱: ۱۱۴) و در فارسی «گرفتن و نقل کردن مطالب یا موضوعی از کسی و یا از جایی با تغییر دادن، خلاصه کردن یا افزودن چیزی بر آن...» و در علم بدیع «آوردن تمام یا قسمتی از آیه، حدیث، یا سخنی از کسی در کلام» است (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «اقتباس» (عباسپور، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در این شیوه، گوینده عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری در نثر و شعر- که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و گزیری نیست- در سخن خود جای می‌دهد. این‌گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد، از جمله: تبرک و تجمیل، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنامایی و ... (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۰). حوزه معنایی این اصطلاح با تضمین و انواع آن (ایداع^۲، ودیعت نهادن و استعانت^۳، یاری طلبیدن)، درج، حل، تلمیح

و تملیح و استقبال تداخل پیدا کرده است.^۵ در این پژوهش اقتباس فقط درباره استفاده کامل یا اندک تغییر یافته آیات قرآنی، احادیث نبوی(ص) و امامان معصوم(ص) به کار رفته، در صورتی که ساختار اصلی آن درهم ریخته شده باشد، ذیل «حل» بررسی شده است. حوزه معنایی و کاربردی تملیح گسترش یافته است و وقتی در مورد مآثورات عربی به کار می‌رود، فقط جایی است که به صورت کاملاً گذرا به آن اشاره شده باشد. تضمین و انواع آن نیز فقط به استفاده نویسنده از شعرهای عربی، جمله‌های دعایی، عبارت‌ها، امثال و حکم و اقوال حکیمان و عارفان بسنده شده است. هجویری در کشف‌المحجوب (۸۶) آیه «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (البقره/۳) را اقتباس کرده است: «چنانکه ابلیس را خلق بپسندیدند و ملائکه وی را بپسندیدند و وی خود را بپسندید، چون پسندیده حق نبود پسند ایشان مر او را لعنت بار آورد. و آدم را صلوات الله علیه ملائکه نپسندیدند و گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» و وی خود را نپسندید و گفت: و چون پسندیده حق بود، حق گفت: ناپسند خلق و ناپسند خود مر او را رحمت بار آورد. تا خلق عالم بدانند که مقبول ما مهجور خلق باشد و مقبول خلق مهجور ما».

۴-۱-۲. تضمین

تضمین در لغت به معنی «ضمانت کردن و متعهد شدن به انجام داده شدن کاری یا تهیه چیزی» (عباسپور، ۱۳۸۱: ۱۱۴) و در علم بدیع، «آوردن بیت، ابیات، یا جمله‌ای از شاعران دیگر در شعر» است (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «تضمین»، عباسپور، ۱۳۸۲: ۳۷۲؛ میرصادقی، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۴؛ آفاحسینی، ۱۳۸۶: ۳۶۵/۲-۳۶۶). در این پژوهش از موارد هفتگانه پیش‌گفته به غیر از آیات و احادیث، پنج مورد دیگر شامل اشعار؛ امثال و حکم؛ جمله‌های دعایی؛ عبارت‌ها، تعبیرها و اصطلاحات؛ و اقوال (گفته‌های عارفان و حکیمان) ذیل این بخش سامان یافته است.^۶

۳-۱-۴. حل

حل/تحلیل در لغت به معنی «گشودن و برطرف کردن مشکلی که معمولاً ایجا ناراحتی یا خطر می‌کند... حل شده، رفع اشکال شده» و در فن بدیع «آوردن مضمون آیه یا حدیثی در شعر» دانسته شده است (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «حل»). علی اصغر حلبی این اصطلاح را «گرفتن الفاظ آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از احادیث و یا شعری از اشعار و یا مثلی از امثال در گفتار با خارج ساختن عبارت آن از وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص» دانسته است (۱۳۷۱: ۵۳). در این نوع اثرپذیری ادیب‌کلام خویش را «بیشتر از «اقتباس» دستکاری» می‌کند (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۴). نویسنده مدخل «حل» در فرهنگنامه ادبی فارسی حل را نوعی اقتباس دانسته و در تعریف آن نوشته است: «در اصطلاح بدیع آن است که مضمون شعری یا آیه یا حدیثی در کلام آورده شود: که من شهر علمم علی‌ام در است/ درست این سخن گفت پیغمبر است» (صدرنیا، ۱۳۸۱: ۵۳۳).

گفت موتوا کلهم من قبل ان یاتی الموت تموتوا بالفتن

(مثنوی، ۲۲۷۳/۴)

این بیت گزارش بس دگرگون از حدیث «موتو قبل ان تموتوا» (بمیرید پیش از آنکه بمیرید) است (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۶).

۴-۱-۴. تلمیح

تلمیح در لغت در معنی «دیدن، نظر کردن، آشکار کردن و اشاره کردن» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹)، «اشاره کردن با گوشه چشم، اشاره کردن به چیزی و نمودن و آشکارکردن (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۱) و در علم بدیع «اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائرات به شرطی که آن اشاره ... تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را دربر نگیرد».

اشاره به فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم، (همان‌جا) و آیه و حدیث (هادی، ۱۳۸۶: ۴۲۲/۲؛ میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۰۲؛ رضایی، ۱۳۸۲: ۱۱؛ حلبی، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۹) دانسته شده است. بیشتر تلمیحاتی که در شعر و نثر فارسی به کار می‌روند، از نوع تلمیحات ایرانی، سامی (عربی)، اسلامی و به‌ندرت یونانی، هندی (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۱) و در ادبیات معاصر تلمیحات فرنگی هستند. تلمیح در شعر کاربرد بیشتری از شعر دارد.

یقین می‌دان که اینجا مذهب عشق و رای مذهب هفتاد و اند است

(عطار، دیوان، ۴۲)

شاعر بیت را بر پایه تلمیح به روایت پیامبر (ص) سروده است: (ان امتی ستفرقٌ بعدی علی ثلاثه و سبعین فرقة، فرقه منها ناجیه و اثنتان و سبعون فی النار [سفینه البحار، ۳۵۹/۲]). همانا که امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه پراکنده خواهد شد، یکی از آن‌ها رستگار و هفتاد و دو فرقه در دوزخ خواهد بود (راستگو، ۱۳۹۱: ۵۲).

۲-۴. اثرپذیری گزارشی

در اثرپذیری گزارشی، گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به سه شیوه ترجمه، تفسیر یا تأویل با ذکر نام گوینده و گاه بدون ذکر نام به فارسی گزارش می‌کند. از این منظر زبان و ادبیات فارسی سرشار از برداشت‌های شاعران، نویسندگان و در رأس آن‌ها عارفان بزرگی است که کلام خویش را با چاشنی قرآن کریم، احادیث نبوی (ص) و ائمه اطهار (ع) رنگی آسمانی بخشیده‌اند و خوانندگان خود را به این سرچشمه الهی آشنا کرده‌اند. اگر نص کلام مأثور چه با ترجمه چه بی‌ترجمه در متن آمده باشد، دیگر در حوزه اثرپذیری گزارشی نمی‌گنجد؛ بلکه در حوزه اثرپذیری گزاره‌ای به شمار خواهد آمد:

۴-۲-۱. ترجمه^۷

به‌رغم توجه ملت‌های مسلمان به اهمیت ترجمه کلام خدا به زبان خود، جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن کریم در گذشته از عمده «مناقشات معمول و جاری در میان مسلمان» (حاجی‌خانی، ۱۳۷۷: ۵۱۴) بوده است و گویا هنوز هم ادامه دارد. به‌رغم تردید برخی قرآن‌پژوهان درباره نخستین مترجمان^۸ کلام الهی در میان ملت‌های مسلمان، افتخار نخستین ترجمه قرآن کریم نصیب ایرانیان شده و سلمان فارسی اولین صحابه پیامبر اسلام (ص) است که ترجمه کلام خدا را به فارسی بنیان نهاده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۵۵۵). عمده ترجمه‌ها به دو نوع لفظ به لفظ/تحت‌اللفظی و آزاد تقسیم می‌شوند:

۴-۲-۱-۱. تحت‌اللفظی

در این نوع ترجمه، مترجم تلاش می‌کند بدون کم‌ترین دخالت در معنا و مضمون و حتی ساختار جمله عربی، آن را به فارسی برگرداند (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۹). مانند برگردان این سخن امام علی (ع) از سوی ناصر خسرو به شعر فارسی: "قِيمَه كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ!"

قیمت هر کس به قدر علم اوست اینچنین گفته‌ست امیرالمؤمنین

(ناصر خسرو، دیوان، ۱۱۹)

۴-۲-۱-۲. ترجمه باز و آزاد

در این شیوه، مترجم مفهوم متن را از زبان مبدأ گرفته، به زبان دوم منتقل می‌کند. این نوع ترجمه، بیشتر رنگ و بوی تفسیر به خود می‌گیرد و به دلیل باز بودن دست مترجم، ساختار متن دگرگون می‌شود. مانند:

گفت پیغمبر که نفتح‌های حق اندر این ایام می‌آرد سبق
گوش و هوش دارید این اوقات را دربیابید اینچنین نفات را
(مثنوی ۱/۱۹۵۱)

مولوی در این دو بیت ترجمه‌ای آزاد از این سخن رسول (ص) «ان فی ایام
دهرکم لَنَفَحَاتٍ اَلَا فَتَغَرَّضُوا لَهَا» [غررالحکم، ۴/۵۰۲] (همانا که در روزهای زندگی
شما نسیم‌های الهی در وزیدند، به هوش باشید و خود را بر آن‌ها عرضه کنید)
آورده است (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۹).

۴-۲-۲. تفسیر

علم تفسیر یکی از نخستین علوم اسلامی و قرآنی است که پیشینه آن به درازای نزول
وحی و تنزیل جاودان معجزه پیامبر گرامی اسلام (ص) بازمی‌گردد. این کلمه تنها یک
بار در قرآن کریم (فرقان، ۳۳) به کار رفته است (ایازی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۵). این اصطلاح
در لغت به معنی «کشف و پرده‌برداری از معنای کلام» (همان‌جا) و از نظر اصطلاحی
به «تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکارکردن مراد جدی آن براساس قواعد
ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» تعریف شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲:
۲۳). از قرن دوم به بعد متناسب با باورهای مذهبی، کلامی و جهت‌گیرهای مفسران،
روش‌های تفسیری گوناگونی شکل گرفت که تا کنون ادامه یافته است.^۹

یکی از گرایش‌های عمده تفسیری شکل گرفته در جهان اسلام، روش تفسیری
مربوط به صوفیه است که از سده دوم به بعد نضج گرفت و رشد کرد. این نوع
تفسیر که موافقان و مخالفان جدی‌ای دارد، از نظر روش ذیل روش تفسیر اشاره‌ای
قرار می‌گیرد و با نام‌های گوناگون «باطنی، عرفانی، صوفی، صوفی، شهودی و
رمزی» شناخته می‌شود (ایازی، ۱۳۷۷: ۶۳۷-۶۵۴)، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۰۳-
۳۳۹). نخستین نمونه از این نوع تفاسیر، که ذیل تأویل نیز باید به آن پرداخت (ایازی،
۱۳۷۷: ۶۴)، تفسیر القرآن الکریم از عبدالله تستری (م ۲۸۳ق)، معروف به تفسیر



تستری است که برخی از آیات قرآن را شامل می‌شود (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۶۱). از آنجا که این نوع تفاسیر مبتنی بر دریافت‌های ذوقی و نتیجه شهود مفسر شکل گرفته، مخالفان زیادی در تاریخ اسلام داشته است. در هر صورت بخش عظیمی از ادبیات غنی منظوم و منشور فارسی محصول این نوع نگاه و برداشت به آیات نورانی قرآن کریم و احادیث شریف است و طبیعی است می‌توان آن‌ها را پس از پلایش از صافی نص صریح وحی، سنت قطعی پیامبر و عقل پذیرفت یا نه. «در این شیوه سخنور مایه و مضمون آیه یا حدیثی را بازمی‌گشاید، می‌گسترده و با شرح و بسط در سخن خویش می‌آورد» (راستگو: ۱۳۹۱: ۴۳).

هجویری در کشف‌المحجوب (۲۱) آیه *أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ*: آیا ندیده‌ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟ (ترجمه فولادوند). (الفرقان/۴۵) را تفسیر کرده است: «و علم شریعت را سه رکن است: یکی کتاب و دیگر سنت، و سیم اجماع امت. و دلیل بر علم به اثبات ذات و صفات پاک و افعال خدای تعالی قوله، تعالی: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و نیز گفت: «فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلِيكُمْ»، و نیز گفت: «أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» و نیز گفت: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ أَلَىٰ الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ.» و مانند این آیات بسیار است که جمله دلایل‌اند بر نظر کردن اندر افعال وی تعالی و تقدس تا بدان افعال فاعل را به صفات وی بشناسند.

۳-۲-۴. تأویل

تأویل از اصطلاحات مهم قرآن کریم است که از زمان پیامبر (ص) شروع شد و ناظر به «استنباط معنا یا معنای پوشیده از کلام، به‌خصوص کلام خدا که احیاناً با معنا یا معانی موضوع له کلام مباین» است (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۲). در میان مذاهب و فرق گوناگون اسلامی خوارج، فلاسفه، اسماعیله، اشعاره، معتزله، باطنیه به تأویل مشهورند؛ اما صوفیه از مهم‌ترین گروه‌های اسلامی هستند که برای اثبات عقاید خود

دست به تأویل زده‌اند (همان منبع، ۱۳۶؛ شاکر، ۱۳۸۸: ۶۳). این کلمه مصدر باب تفعیل از ریشه «اول» به معنی بازگشت است و هفده بار در قرآن (در معانی تعبیر خواب، سررسید وعده و عاقبت و سرانجام یک امر و کشف معنای باطنی و مرموز) آمده؛ «اما به معنای تأویل قرآن و تأویل آیات قرآن، سه بار» در کلام خداوند به‌کار رفته است [اعراف، ۵۳؛ یونس، ۳۹؛ آل عمران، ۷] (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۴۶۸/۱؛ شاکر، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۹، ۳۴). درباره ارتباط این اصطلاح با تفسیر نیز دیدگاه‌های مختلفی از ترادف، تا تباین با آن دیده می‌شود: «بیشترین اقوال و نظریات حکایت از تباین تفسیر با تأویل دارد» (شاکر، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۴۷۱/۱).

تأویل^۱ ارتباط مستقیم با تفسیر دارد؛ زیرا این اصطلاح نسبت به تفسیر، که خاص است، حالت عام دارد و از آنجا که برداشت درونی و شخصی تأویل‌کننده را ارائه می‌کند، اغلب ذوقی شمرده می‌شود و تا با نص صریح قرآن و سنت همخوانی نداشته باشد، نوعی تفسیر به رأی انگاشته و مردود دانسته شده است. برخی با دیدگاه‌های خاص کلامی خود و با استناد به احادیث مختلف به‌کلی دست رد به این گونه تأویلات زده‌اند و اعتقاد دارند: «امامان ما با قاطعیت تأویلات فلاسفه و صوفیه و باطنیه و غلات را رد کرده‌اند» (شاکر، ۱۳۸۸: ۶۸). به‌رغم اختلاف نظر در تعاریف تأویل، نقطه مشترک همه آن‌ها گذر از معنای ظاهر و رسیدن به معنای باطن آیات و احادیث است «درباره اینکه چقدر می‌شود بر تعداد این معناها اضافه کرد، آراء مختلفی هست. در پاره‌ای از تعبیرات گفته‌اند قرآن هفت یا هفتاد بطن دارد» (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۱۰۳). علامه طباطبایی در این باره اعتقاد دارد: «مراد از تأویل معنایی است که مخالف با ظاهر لفظ باشد و این معنا از سایر معانی که برای تأویل کرده‌اند، شایع‌تر است (ترجمه تفسیر المیزان، به قلم موسوی همدانی، ۶۸/۳، به نقل از خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۴۷۱/۱). درباره تأویل نکات زیر شایسته توجه است:

الف. تفسیر با الفاظ و تأویل با ساختمان جمله ارتباط دارد (همان منبع، ۴۷۰/۱).

ب. هرکس نمی‌تواند ادعای تأویل و برداشت شخصی از مأثورات کند، بدون آنکه سخنش ریشه در کتاب و سنت و عقل داشته باشد (ایازی، ۱۳۷۷: ۶۵۰/۱؛ شاکر، ۱۳۸۸: ۶۷).

ج. «عارف و صوفی در تأویل، تفسیر الفاظ و کلام نمی‌کند... او تفسیری از حقیقت جهان و نگرش به عالم از جهان معنا و با ابزار کشف و شهود می‌کند» (ایازی، ۱۳۷۷: ۶۵۰/۱).

د. «در این شیوه اثرپذیری، از این‌رو که گوینده از آیه یا حدیث معنایی نغز و نو به دست می‌دهد، ناگزیر این اثرپذیری برخلاف اثرپذیری‌ها - که گاه پنهان‌اند و گاه آشکار - همواره آشکار خواهد بود» (راستگو، ۱۳۹۱: ۵۵).

کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار میبیدی (سده ششم) یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تفسیری و تأویلی به فارسی است که نویسنده در قسم سوم کتاب تأویل‌های خود را بر مشرب عارفان ارائه کرده است. وی با استناد به داستان حضرت موسی (ع) و خضر نبی (ع) گزارش تأویلی جذابی در اختیار خواننده قرار می‌دهد: «آنچه خضر گفت (انک لن تستطیع معی صبراً [کهف، ۶۷]) بر معنی فهم اشارت می‌کند که یا موسی سرّ فطرت تو با شواهد الاهییت چندان انبساط دارد که گویی (ارنی انظر الیک [اعراف، ۱۴۳]) و من که خضرم قدرت و قوت آن ندارم که این حدیث را بر دل خود گذر دهم یا اندیشه خود ب آن پردازم. سلطنت تو به غصه حرمان من درنسازد (انک لن تستطیع معی صبراً). (میبیدی، ۱۳۶۱: ۷۲۸/۵ به نقل از محمدی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

۴. داده‌ها

در جدول ذیل که خلاصه‌ای از بیست جدول طرح اصلی است، پراکندگی مأثورات هفتگانه شامل آیات، احادیث، اشعار، امثال، جملات دعایی، عبارات و اقوال در ده کتاب برگزیده دیده می‌شود:

مأثورات هفتگانه عنوان کتاب	آیات	احادیث	اشعار و حکم	امثال و حکم	جملات دعایی	عبارات، تعابیر واصطلاحات	اقوال
الابنیه عن حقایق الادویه	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اسرار التوحید	۱۴۲	۷۴	۲۴	۱۲	۳۷	۵۷	۷۶
تاریخ بیهقی	۶۶	۱۰	۵۴	۴۵	۶۰	۱۹۱	۲
ترجمه تفسیر طبری	۲۷	۵۷	۱۳	۰	۲۰	۶۱	۸
التفهیم	۱۴	۰	۰	۰	۱۱	۵	۰
چهار مقاله	۱۶	۰	۰	۴	۱۸	۱۸	۰
سیاستنامه	۶۱	۲	۰	۰	۷۵	۲۱	۵
کشف المحجوب	۲۲۰	۱۷۰	۳۶	۱۷	۶۲	۱۵۱	۲۶۷
کلیله و دمنه	۳۸	۶	۲۰۴	۳۹	۳۴	۱۴	۱۳
کیمیای سعادت	۳۰۴	۱۱۷	۱	۳	۵۷	۵۶	۱۴

۵. بحث و بررسی

براساس نتایج به دست آمده از داده‌های تحقیق و به‌رغم تنوع موضوعی کتاب‌های منتخب (علمی - ۲ اثر - ادبی و علمی - ۱ اثر - آیین کشورداری، اخلاق و سیاست پادشاهان - ۱ اثر - تاریخی - ۱ اثر - دینی - ۱ اثر - اخلاقی - ۱ اثر، عرفانی - ۲ اثر - حکمی و اخلاقی - ۱ اثر -) مشخص شد اثرپذیری نویسندگان فارسی‌زبان از مأثورات عربی در نوشته‌های خود امری همگانی است و ما هرچه از سده چهارم دورتر می‌شویم این تأثیر پررنگ‌تر می‌شود. با این همه، موضوع کتاب‌ها نقش مهمی در میزان استفاده از مأثورات دارد؛ به گونه‌ای که در کتاب‌های علمی کم‌ترین و در کتاب‌های اخلاقی و عرفانی بیشترین میزان استفاده از مأثورات را می‌توان دید.

و معنوی می‌بخشیدند تا بتوانند هم مورد قبول واقع شوند و هم خوانندگان و مخاطبان خود را به این سرچشمه الهی آشنا و متصل کنند. این ادیبان اشعار، امثال و حکم، جمله‌های دعایی، عبارات و تعابیر و اقوال را به‌منظور ضمانت جمله‌ها و گفته‌های خود و همچنین تعهد به انجام وعده و وعیدها استفاده می‌کردند تا علاوه بر موارد یادشده، میزان مهارت خود را در عربی‌دانی به رخ مخاطب بکشند و در برخی موارد فضل‌فروشی کنند. حتی این فضل‌فروشی‌ها در سده‌های بعد نثر فارسی را به انحراف کشاند و کسانی همچون میرزا مهدی خان استرآبادی (۱۱۷۵ - ۱۱۸۰ هجری)، منشی نادرشاه، در دو کتاب *جهانگشای نادری* و *دره نادره*، نثر زیبای فارسی را که در سده‌های چهارم تا هفتم از نمونه‌های اعلای نثر فارسی به شمار می‌رفتند، یکسره به سوی انحطاط کشاند و دایره خوانندگان خود را به مخاطبان عربی‌دان محدود کرد.

۶. نتیجه‌گیری

در طول بیش از چهارده سده حضور اسلام در ایران و در نتیجه تعامل نزدیک زبان فارسی و عربی با یکدیگر، به‌نوعی می‌توان گفت فرهنگ ایرانیان به‌شدت از زبان عربی متأثر شده است، البته این تأثیر نه فقط به دلیل تعامل نزدیک این دو زبان بوده، بلکه اندیشه اسلامی و گرایش‌های مذهبی نیز در این امر دخیل بوده است. دانستن قرآن، درک و فهم روایات و آیات، باعث شده است اندیشه، زبان و ادبیات ما ایران از اندیشه اسلامی و قرآنی تأثیر بپذیرد، به‌گونه‌ای که نویسندگان با استفاده از ترجمه آیات، متناسب با اهداف تعلیمی و تربیتی خود، به تأویل این آیات دست زده‌اند و همین موضوع باعث شده است زبان عربی، به بخشی از هویت ملی و دینی ایرانیان تبدیل شود.

در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر «میزان اقبال و استفاده نویسندگان از مآثورات هفتگانه و نیز بسامد کاربرد این مآثورات در کتاب‌های برگزیده با توجه به



تفاوت موضوع آن‌ها (علمی، ادبی، تاریخی، عرفانی، اخلاقی و تفسیری) به چه شکل و چگونه قابل تبیین است؟» باید گفت که آیات در کتاب *کیمیای سعادت*، بالاترین میزان را با ۳۰۴ آیه، به خود اختصاص داده است. بعد از آن *کشف‌المحجوب* با ۲۲۰ آیه، *اسرارالتوحید* با ۱۴۲ آیه، *تاریخ بیهقی* با ۶۶ آیه، *سیاست‌نامه* با ۶۱ آیه، *کلیله و دمنه* با ۳۸ آیه، *ترجمه تفسیر طبری* با ۲۷ آیه، *چهارمقاله* با ۱۶ آیه، *التفهیم* با ۱۴ آیه و در آخر *الابنیه عن حقایق‌الادویه* با ۳ آیه در ردیف‌های بعدی قرار دارد. احادیث در کتاب *کشف‌المحجوب* بیشترین تعداد را با ۱۷۰ مورد به خود اختصاص داده، که بعد از آن *کیمیای سعادت* با ۱۱۷ حدیث، *اسرارالتوحید* با ۷۴ حدیث، *ترجمه تفسیر طبری* با ۵۷ حدیث، *تاریخ بیهقی* با ۱۰ حدیث، *کلیله و دمنه* با ۶ و *سیاست‌نامه* با ۲ حدیث در رده‌های بعدی قرار دارند و مابقی کتاب‌ها هیچ حدیثی در آن‌ها یافت نشد. با بررسی اشعار در کتاب‌های منتخب مشخص شد که کتاب *کلیله و دمنه* با ۲۰۴ بیت شعر در جایگاه اول و بعد از آن کتاب *تاریخ بیهقی* با فاصله بسیار زیاد، یعنی ۵۴ بیت شعر در جایگاه بعدی قرار دارد. *کشف‌المحجوب* با ۳۶ بیت شعر *اسرارالتوحید* با ۲۴ بیت شعر، *ترجمه تفسیر طبری* با ۱۳ بیت شعر و *کیمیای سعادت* تنها با ۱ بیت شعر در رده‌های بعدی قرار دارند و در مابقی آثار بیتی یافت نشد. طبق یافته‌ها، امثال و حکم در *تاریخ بیهقی* با ۴۵ مثل، *کلیله و دمنه* با ۳۹ مثل، *کشف‌المحجوب* با ۱۷ مثل، *اسرارالتوحید* با ۱۲ مثل *چهارمقاله* با ۴ مثل و *کیمیای سعادت* با ۳ مثل به ترتیب واقع شده‌اند و مابقی دارای هیچ ضرب‌المثلی نیستند. جدول بالا حاکی از آن است که کتاب *سیاست‌نامه* با ۷۵ جمله دعایی در رده اول قرار دارد. *کشف‌المحجوب* با ۶۲ جمله دعایی، *تاریخ بیهقی* با ۶۰ جمله دعایی، *کیمیای سعادت* با ۵۷، *اسرارالتوحید* با ۳۷، *کلیله و دمنه* با ۳۴، *ترجمه تفسیر طبری* با ۲۰، *چهارمقاله* با ۱۸ و *التفهیم* با ۱۱ جمله دعایی در جایگاه بعدی قرار دارند. با بررسی عبارات، تعابیر و اصطلاحات در کتاب‌های منتخب، به این نتیجه رسیده‌ایم

که تاریخ بیهقی با ۱۹۱ عبارت، کشف‌المحجوب با ۱۵۱ عبارت، ترجمه تفسیر طبری با ۶۱ عبارت، اسرار التوحید با ۵۷ عبارت، کیمیای سعادت با ۵۶ عبارت، سیاست‌نامه با ۲۱ عبارت، چهارمقاله با ۱۸ عبارت، کلیله و دمنه با ۱۴ عبارت و التفهیم با ۵ عبارت به ترتیب قرار گرفته‌اند. بیشترین اقوال با ۲۶۷ قول، در کشف‌المحجوب دیده می‌شود. بعد از آن در کتاب اسرارالتوحید با ۷۶ قول، کیمیای سعادت با ۱۴ و کلیله و دمنه با ۱۳ قول، ترجمه تفسیر طبری با ۸ قول، سیاست‌نامه با ۵ و تاریخ بیهقی با ۲ قول در ردیف بعدی قرار دارند. نکته دیگر اینکه موضوع کتاب‌ها و تغییر سبک نثر فارس در سده ششم نقش مهمی در میزان کاربرد مآثرات در متون فارسی داشته است و ما هرچه به قرن ششم نزدیک می‌شویم، بسامد استفاده از مآثرات افزایش می‌یابد.

۷. پی‌نوشت‌ها:

۱. بررسی سیر تاریخی تأثیر زبان‌ها بر یکدیگر در جوامعی که پیوسته در کنار هم زیسته و به لحاظ تاریخی با یکدیگر تماس داشته‌اند، موضوعی است که همواره در کانون توجه زبان‌شناسی اجتماعی و تاریخی بوده است. در این نوع پژوهش‌ها درباره کاربرد آگاهانه الگوهای زبان‌ها در یکدیگر در قالب وام‌گیری (Barrowing) و کاربرد ناآگاهانه آن‌ها ذیل تداخل زبانی (linguistics interference) بحث می‌شود (ر.ک: مدرسی، ۱۳۶۸: ۳۰-۳۱، ۴۲). آنچه در این پژوهش در قالب مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی بدان پرداخته خواهد شد، بیشتر درحوزه تعاملات ادبی زبان عربی با فارسی است تا تأثیرات زبانی؛ بنابراین رویکرد برگزیده این پژوهش در حوزه ادبیات تطبیقی می‌گنجد. ادبیات تطبیقی «بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت‌های دیگر، بررسی چگونگی این ارتباط و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر»

(ندا، ۱۳۸۰: ۱۰) است. برای دیدن تعاریف دیگر و شناخت ویژگی‌های دو مکتب شاخص این رویکرد، یعنی مکتب فرانسوی ر.ک: غنیمی هلال، ۱۳۷۳ [۱۹۵۲]: ۳۵-۳۷ و مکتب امریکایی ر.ک: کفافی، ۱۳۸۲: ۱۸-۲۴. غنیمی هلال در تعریف ادبیات تطبیقی با رویکرد فرانسوی می‌نویسد: «پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد در گذشته و حال و به‌طور کلی ارائه نقشی که پیوندهای تاریخی در تأثیر و تأثر داشته است، چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی و چه از دیدگاه جریان‌های فکری» (همان، ۳۲). وی مهم‌ترین ویژگی و تمایز مکتب فرانسوی از امریکایی را در مقایسه دو اثر یا دو شخصیت یا دو جریان فکری از دو زبان مختلف را «داشتن روابط تاریخی» می‌داند و عقیده دارد: «آن دسته از مقایسه‌های ادبی که فاقد روابط تاریخی است، از دایره ادبیات تطبیقی بیرون است» (همان، ۳۷).

۲. در این پژوهش تمرکز نویسندگان بر متون منشور فارسی از نخستین سده‌های تألیف کتاب به زبان فارسی در تاریخ ایران است؛ بنابراین برای نمایش میزان تأثیرگذاری شاخص‌های اصلی فرهنگ و ادبیات عربی در فارسی ذیل مقولات هفتگانه مشخص شده، ده کتاب مهم تألیف شده نثر به زبان فارسی از سده چهارم تا ششم هجری انتخاب شد. ملاک این انتخاب‌ها پیش از هرچیز، اهمیت کتاب‌ها در زمینه‌های ادبی، علمی، تاریخی، عرفانی، اخلاقی و تفسیری با لحاظ سیر تاریخی تألیف آن‌ها بود. هدف نویسندگان از این انتخاب‌ها، نشان دادن گستردگی میزان تأثیرات زبان و ادبیات عربی و اسلامی در ادبیات فارسی در طول تاریخ بود تا مخاطب دریابد زبان و ادبیات فارسی برای ارتقای توانایی‌های خود فارغ از زمینه‌های دانشی (ادبی، تاریخی و ...) تا حد ممکن از ظرفیت‌های زبان و ادبیات عربی بهره گرفته است، به گونه‌ای که سده به سده بر تأثیرات حتی گاه مخرب زبان عربی بر فارسی (تحمیل الگوهای زبانی عربی در فارسی، کاهش

واژه‌سازی فارسی، کاهش قدرت علمی زبان فارسی و ...) افزوده شده است. ناگفته پیداست که میزان تأثیر در کتاب‌های منتخب با توجه به موضوع آن‌ها برابر نیست؛ اما در هر صورت حتی کتاب‌های تاریخی و علمی نیز از این تأثیر برکنار نبوده‌اند.

۳. درج شعر دیگران در شعر خود به شرط آنکه کمتر از یک بیت باشد (آقاحسینی، ۱۳۸۶: ۳۶۶/۲).

۴. درج شعر دیگران در شعر خود به شرط آنکه بیشتر از یک بیت باشد (همان‌جا).

۵. علی اصغر حلبی در کتاب تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی تضمین و اقتباس را تقریباً به یک معنی گرفته است (۱۳۷۱: ۵۱-۶۱). دانشنامه زبان و ادب فارسی (تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی) توضیحی درباره مدخل «اقتباس» نیاورده (۱۳۸۶: ۱/۴۸۹)، خواننده را به مدخل «تضمین» ارجاع داده است (۱۳۸۶: ۲/۳۶۵-۳۶۶). در اثر یادشده ذیل مدخل «تلمیح» اشاراتی درباره تضمین و تداخل آن با اقتباس و تلمیح و تفاوت آن دو با یکدیگر، به نقل از کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی، نوشته جلال‌الدین همایی (۱۳۶۳: ۳۸۶) دیده می‌شود (هادی، ۱۳۸۶: ۲/۴۲۱-۴۲۲).

۶. در این باره ر.ک: الخطیب القزوینی، الايضاح فی علوم البلاغۃ، تحقیق محمد عبدالقادر الفاضلی (صیدا-بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۲ق)، ص ۱۰؛ احمد الهاشمی، جواهر البلاغۃ فی المعانی والبیان والبدیع (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ق)، الطبعة السادسة، صص ۴۱۶-۴۱۸.

۷. ترجمه، یعنی «برگردان گفتار یا نوشتار از زبانی به زبان دیگر» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «ترجمه») عموماً ذیل دو نوع آزاد و لفظ به لفظ/تحت‌لفظی درباره آن بحث می‌شود. در عربی چهار معنای اصلی برای آن ذکر شده است: «الف) رسانیدن پیام و سخن به بی‌خبران؛ ب) تفسیر و تبیین سخن به زبان اصل و مبدأ؛ ج) تفسیر و تبیین به زبان دیگر/زبان مقصد؛ د) برگردان سخن از زبان اصلی/مبدأ به زبای

- دیگر/مقصد. فرق اسلامی در حکم جواز بلکه وجوب ترجمه قرآن به معانی سه‌گانه پیش‌گفته اتفاق نظر دارند... همه مناقشات و اختلاف نظرها بر سر معنای چهارم است» (حاجی‌خانی، ۱۳۷۷: ۵۱۴).
۸. برخی از پژوهشگران، مسلمانان مهاجر به حبشه را نخستین مترجمان قرآن دانسته‌اند؛ اما دکتر آذرنوش و دیگران در این زمینه تردید اساسی دارند (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۱۲)
۹. در باره تفسیر، مفسران و روش‌های تفسیری ر.ک: ایگناتس گلدتسیهر، *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*، ترجمه ناصر طباطبائی، مقدمه و حواشی محمدعلی ایازی (تهران: ققنوس، ۱۳۸۳)؛ محمدحسین ذهبی، *التفسیر والمفسرون*: بحث تفصیلی عن نشاه‌التفسیر و تطوره و الوانه و مذاهبه، مع عرض شامل لاشهرالمفسرین و تحلیل کامل لاهم کتب‌التفسیر من عصرالنبی(ص) الی عصرناالحاضر (قاهره: دارالکتب الحدیثه، ۱۹۶۱ - ۱۹۶۲)، ج۳؛ بهاء‌الدین خرمشاهی، *تفسیر و تفاسیر جدید* (تهران: کیهان، ۱۳۶۴)؛ عباسعلی عمید زنجانی، *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن کریم* (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶)؛ سیدرضا مؤدب، *روش‌های تفسیر قرآن* (قم: اشراق، ۱۳۸۰)؛ محمدعلی رضایی اصفهانی، *درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری در منطق تفسیر قرآن* (قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲).
۱۰. این اصطلاح تا حدودی برابر با هرمنوتیک (Hermeneutics) فرنگی است که در فرهنگ مسیحیت به «علم تفسیر متون مقدس و به طور خاص تورات و انجیل» (ایازی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۵) است. در این باره ر.ک: بابک احمدی، *ساختار و تأویل متن* (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵)، چ۸؛ احمد واعظی، *درآمدی بر هرمنوتیک* (تهران: فرهنگ دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰)؛ محمدکاظم شاکر، *روش‌های تأویل قرآن* (قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۶).

منابع

- قرآن کریم.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی: ج ۱: ترجمه‌های قرآن). تهران: انتشارات سروش.
- آقاحسینی، حسین (۱۳۸۶). «تضمین» در دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. ج ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۳۶۵-۳۶۶.
- ابوریحان بیرونی، محمدبن‌احمد (۱۳۶۷). التفهیم لاولئ صناعه‌التنجیم. ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی. با تصحیح و مقدمه جلال همایی. تهران: هما.
- اجتهادی، منیژه و دیگران (۱۳۸۶). المعجم المفهرس لالفاظ الاحادیث والاقاویل عن‌الکتب العرفانیة الفارسیة. ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۵). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. ج ۸. چ ۲. تهران: سخن.
- ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۷). «تفسیر قرآن» در دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. به سرپرستی بهاء‌الدین خرمشاهی. ج ۱. تهران: دوستان، ناهید. صص ۶۳۵-۶۵۴.
- بیهقی، محمدبن حسین (۱۳۷۸). تاریخ بیهقی با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌ها و جمله‌های دشوار و امثال و حکم و برخی نکته‌های دستوری و ادبی، تصنیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر. به کوشش خلیل خطیب‌رهبر. ج ۳. تهران: سعدی.
- حاجی‌خانی، فرزاد (۱۳۷۷). «ترجمه/درباره جواز ترجمه قرآن». در دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. به سرپرستی بهاء‌الدین خرمشاهی. ج ۱. تهران: دوستان، ناهید. ص ۵۴۱.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۱). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: اساطیر.
- الخطیب القزوینی (۱۴۲۲ق). الايضاح فی علوم البلاغۃ. تحقیق محمد عبدالقادر الفاضلی. صیدا- بیروت: المكتبة‌العصریة، ۱۴۲۲ق.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۴). تفسیر و تفاسیر جدید. تهران: کیهان.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷). «تأویل» در دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. ج ۱. تهران: دوستان، ناهید. صص ۴۶۸-۴۷۱.

- ذهبی، محمدحسین (۱۹۶۱-۱۹۶۲م). *التفسیر والمفسرون*: بحث تفصیلی عن نشاهالتفسیر و تطوره و الوانه و مذاهبه، مع عرض شامل لاشهرالمفسرین و تحلیل کامل لاهم کتبالتفسیر من عصرالنبی(ص) الی عصرناالحاضر. ۳ج. قاهره: دارالکتب الحدیثه.
- راستگو، محمد (۱۳۷۶). کتاب تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. ۹ج. تهران: سمت.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲). *درسنامه روش‌ها و گزینش‌های تفسیری قرآن «منطق تفسیر قرآن»*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رضایی، عربعلی (۱۳۸۲). *واژگان توصیفی ادبیات: فارسی - انگلیسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۸). *روش‌های تأویل قرآن: معناشناسی و روش‌شناسی تأویل در سه حوزه روایی، باطنی و اصولی*. ۳ج. قم: بوستان کتاب.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *فرهنگ تلمیحات (اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی، مذهبی در ادبیات فارسی)*. ۲ج. تهران: میترا.
- صدرنیا، امیر (۱۳۸۱). «حل» در *فرهنگنامه ادبی فارسی*، به سرپرستی حسن انوشه، ۲ج. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۵۳۳.
- صدرنیا، باقر (۱۳۸۰). *فرهنگ مآثورات متون عرفانی*. تهران: سروش.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۷). *ترجمه و تفسیر طبری*، فراهم آمده در زمان سلطنت منصوربن نوح سامانی ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری فی التفسیر القرآن. به تصحیح و اهتمام حبیب یغمائی. ۷ جلد در ۴ مجلد. تهران: توس.
- عادل، محمدرضا (۱۳۷۵). *فرهنگ عبارتهای عربی در شعر فارسی (تا جامی)*. ۲ج. تهران: امیر کبیر.
- عباسپور، هومن (۱۳۸۱). «اقتباس» در *فرهنگنامه ادبی فارسی*، به سرپرستی حسن انوشه، ۲ج. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۱۱۴؛ «اشاره»، ۹۹؛ «تضمین»، ۳۷۲؛ «درج»، ۸۶؛ «تلمیح»، ۴۰۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن کریم*. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- غزالی، محمدبن محمد (۱۳۷۵). *کیمیای سعادت*. به کوشش حسین خدیو جم. ج ۲. چ ۷. تهران: علمی و فرهنگی.
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی: تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی*. ترجمه و تحشیه و تعلیق از مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی: پژوهشی درباب نظریه ادبیات و شعر داستانی*. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: به‌نشر.
- گلدتسیهر، ایگناتس (۱۳۸۳). *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*. ترجمه ناصر طباطبائی. مقدمه و حواشی محمدعلی ایازی. تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹). *هرمنوتیک، کتاب و سنت*. چ ۴. تهران: طرح نو.
- محمدبن منور (۱۳۶۶). *اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*. تالیف محمدبن منوربن ابی‌سعدبن ابی‌طاهر بن ابی‌سعید میهنی. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی‌کدکنی. ج ۲. تهران: آگاه.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۰). «تأویل آیات قرآن در متون فارسی (از قرن چهارم تا قرن هفتم)» در *قرآن در آیین پژوهش (دفتر دوم)*. تهیه و تنظیم دکتر محمدکاظم شاکر. تهران: رایزن. صص ۱۲۱-۱۴۸.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۸۵). *واژه‌نامه هنر شاعری*. و ۳. چ ۳. تهران: مهناز.
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۰). *روش‌های تفسیر قرآن*. قم: بوستان کتاب.
- نداء، طه. (۱۳۸۰). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه دکتر زهرا خسروی. تهران: فرزانه روز.
- نصرالله منشی، نصرالله‌بن محمد (۱۳۷۸). *کلیله و دمنه*. چ ۱۷. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی. تهران: امیرکبیر.
- نظام‌الملک، حسن‌بن علی (۱۳۶۹). *سیاست‌نامه*. به اهتمام عباس اقبال آشتیانی. چ ۲. تهران: اساطیر.

- نظامی، احمد بن عمر (۱۳۸۵). چهارمقاله. به سعی و اهتمام و تصحیح محمد قزوینی. به کوشش محمد معین. چ ۵. تهران: زوار.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: فرهنگ دانش و اندیشه معاصر.
- هادی، روح الله (۱۳۸۶). «تلمیح» در در دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. ج ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۴۲۱-۴۲۲.
- الهاشمی، احمد (۱۴۱۷ق). جواهرالبلاغه فی المعانی والبیان والبدیع. چ ۶. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۹). کشف المحجوب. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. چ ۶. تهران: سروش.
- هروی، موفق بن علی (۱۳۸۹). الابنیه عن الحقایق الادویه یا روضه الانس و منفعه النفس. موفق الدین ابومنصور علی الهروی. به تصحیح احمد بهمنیار. به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.